فرهیختگان
farhikhteganonline
WWW.FDN.IR

۹ یادداشت

# از پروپاگاندای هیتلر تا پروپاگاندای پهلوی

سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه‌اندیشه

اگر شروع پروپاگاندا برای پهلوی را از شبکه منوتو و مستند تونل زمان اعلام کنیم، ادامه این خط را در سال‌های اخیر شبکه‌هایی مثل اینترنشنال و بی‌بی‌سی هم با همان دست‌فرمان ادامه داده‌اند و قصد داشتند پهلوی را به‌نوعی سفیدشویی کنند.

این مستند (تونل زمان) یک کار تحریف‌شده با عنصر زیباشناختی بود، اثبات یک گذشته درخشان و بی‌نقص بود و ایضا اثبات به خطای عمل انقلابی در آن مقطع. به زبان ساده همه‌چیز گل‌وبلبل بود و مردم یک کشور از سر ناآگاهی دست به عمل انقلاب زدند و این فراروایت به‌تعبیری نوعی پروپاگانداست. درحقیقت پروپاگاندا گونه‌ای ارتباط است که در آن، اطلاعات هماهنگ و جهت‌دار برای بسیج افکار عمومی از طریق تبلیغات سیاسی پخش و فرستاده می‌شود. تبلیغات سیاسی شکلی از ارتباط است که هدف آن تاثیر بر گرایش یک جمع یا جماعت همسو با موضع و دلیل دلخواه مبلغ سیاسی است، در این وضعیت آنچه هدف اصلی است، نشان دادن هر آن چیزی است که دلچسب یا جذاب است. به‌گفته برخی متفکران حوزه زیباشناختی نوعی لذت بی‌انتهاست از آنچه اصلا وجود ندارد. برای آنکه نشان داده شود این پروپاگاندا چه مقدار دروغ است و تحریف شده، کافی است مقایسه‌ای از تصاویر یا کلیپ‌هایی که به نام پهلوی درحال نشر است با مجموعه به نام تاریخ شفاهی هاروارد که در این مجموعه رجال بلندپایه حکومت پهلوی از چرایی سقوط یا دوران مختلف در حکومت صحبت می‌کنند، همین مقایسه ساده نشان می‌دهد در اصل ما با نوعی تحریف هدفمند روبه‌رو هستیم اما ویژگی‌های این تحریف هدفمند چیست و چه نسبتی با حکومت فاشیستی هیتلر دارد. برای دقیق‌تر شدن بحث باید به لنی ریفنشتال اشاره کرد. وی که مسئول ساخت فیلم‌های تبلیغاتی برای حکومت فاشیستی و هیتلر بود، در یکی از مهم‌ترین آثارش به نام «پیروزی اراده» (Triumph of the Will) صحنه‌هایی از هیتلر و آلمان وقت را نشان می‌دهد که بسیار عجیب است و خیلی به تونل زمان شباهت دارد. مستند پیروزی اراده با پرواز هیتلر در هواپیما لابه‌لای ابرها شروع می‌شود و بعد نمایی از بالا تصویری از آلمان عصر هیتلر در اوج شکوه، زیبایی و پیشرفته را نشان می‌دهد که انبوه عظیمی از توده‌ها منتظر جناب هیتلر هستند تا از دیدار او که چنین شکوهی را رقم زده است، به‌صورت منجی گونه استقبال کنند. مستند با نشستن هواپیما در میان صدهزار مشتاق -که از سر ذوق لبخند می‌زنند و شادمان هستند- ادامه دارد و بعد سخنرانی او در باب وطن‌دوستی و فدا شدن برای کشور و فداکاری در حق آن ادامه می‌یابد؛ یک جامعه آرمانی و داشتن دشمنان وسیع برای برهم زدن این نظم بی‌نظیر! و رمز پیروزی و موفقیت در آینده برای آلمان آن چیزی است که در این مستند به‌دقت نشان داده شده است. همه‌چیز در این مکان وجه مقدس دارد؛ چراکه آرمان برتر درحال خلق جهانی جدید است، این عمل دقیقا در مستند تونل زمان هم وجود دارد و بریده‌هایی که هرچند وقت یک‌بار در شبکه منوتو درحال پخش است، به‌عنوان نوعی فکت ایرانی پیشرفته که اگر قدر منجی و رهبر وطن‌دوست خود یعنی شاهنشاه را می‌دانست تبدیل به ملت برتر می‌شد، به‌نوعی جامعه‌ای شاد و آزاد که خود قدر داشته‌هایش را ندانست!

در این لحظه شاید برای تحلیل بهتر این دو مستند و همراستایی‌ای که باید یکدیگر دارند، هیچ جمله‌ای بهتر از جمله موسولینی، رهبر فاشیستی ایتالیا نباشد. وی معتقد است این ما هستیم که ملت را می‌سازیم، یعنی وظیفه دولت ملت‌سازی است و عکس آن یعنی اینکه ملت بتواند دولت را شکل دهد، غلط است. همین جمله به‌شدت راهگشاست و نشان از ایده‌هایی یکسان می‌دهد، هر دو مستند درحال نشان دادن این مساله‌اند که ملتی موفق است که به‌تعبیری نقش بندگی دولت را بازی کند، با این پیش‌فرض که ماحصل این بندگی افراطی خودشیفتگی هم خواهد شد که اتفاقا نسخه‌های پهلوی‌های امروز -که حتی بعد از تعرض به هالو و مطرح شدن بحث ساواک به‌شدت این اقدام‌ها را تحسین می‌کنند- خیلی به فاشیست‌ها در دوران هیتلر نزدیک است. این تفکر اما در یک نقطه ایستا نیست، بلکه ترسیم وضعیتی را همراه است که بر آن می‌توان خودشیفتگی افراطی نام نهاد، به‌نوعی گویی هیچ عیب و نقصی در دوره حکومت یا در تفکر این جماعت وجود ندارد و دقیقا مثل مجسمه‌های دوره فاشیست‌ها که نباید هیچ عیب و نقصی وجود داشته باشد؛ چراکه از جنبه زیباشناختی نوعی نقص را القا می‌کند، اینجا نیز همان‌گونه است، به‌طوری که پهلویسم و فاشیسم گویی یک روح در دو بدن هستند.

برای خاتمه بحث باید به مشابهت جالبی که در مستند لنی و تونل زمان هست، اشاره کنم. در این مستند هیتلر به میان مردم می‌رود و با کودکان و مادران‌شان دست می‌دهد و آنها را نوازش می‌کند، دقیقا در تونل زمان هم فرح دیبا با تعدادی کودک و خانم در خیابان گرم برخورد می‌کند. در این تطبیق هم به‌جای بحث‌های طولانی جمله‌ای از گوبلز، وزیر فرهنگ هیتلر نقل می‌کنم. او معتقد بود امثال این مستند و دیگر پروپاگانداها باعث می‌شود مردم هوش خود را از دست بدهند و تبدیل به فردی مطیع شوند، به‌نظر می‌رسد مستند تونل زمان و پروپاگاندایی که اخیرا برای حکومت کودتاچی پهلوی شروع شده است، قصد دارد ایده گوبلز را تا حدودی اجرایی کند.

ظرفیت اجتماعی و امنیت چطور می‌توانند همدیگر را بازتولید کنند؟

# دیالکتیک هایپرسونیک و سرمایه اجتماعی

**فرهیختگان** در تمام سال‌های پس از انقلاب اسلامی ادبیات خصمانه پای ثابت رویکرد سیاستمداران آمریکایی درمقابل ایران بوده است. هر زمان که ایران ابزار فشاری به‌دست آورده طرف غربی بلافاصله با عقب‌نشینی صحبت از مذاکره و دیپلماسی را به‌میان آورده است. رژیم‌صهیونیستی اما هر بار که موضوع دیپلماسی بین ایران و آمریکا جدی شده، تلاش کرده با اعمال فشار در این مسیر اختلال ایجاد کند و طرف‌های آمریکایی نیز با هدف جلب رضایت اسرائیل در اظهارات لفظی مواضعی را اتخاذ کرده‌اند که برخلاف رویکرد عملی‌شان بوده است. همین مخالفت صهیونیست‌ها و تلاش رادیکال‌ها برای افزایش شدت تنش بین تهران و واشنگتن باعث می‌شود هر زمانی که آمریکایی‌ها از دیپلماسی صحبت می‌کنند، این گزاره تثبیت شود که کاخ سفید ولو به قیمت فشارهای رسانه‌ای ناچار به عقب‌نشینی شده و این عقب‌نشینی زمانی علنی‌تر می‌شود که آمریکایی‌ها در جمع خود صهیونیست‌ها -که رادیکال‌ترین جو ضدایرانی را دارند- صحبت از دیپلماسی به‌میان بیاورند. این اتفاقی است که دوشنبه ۱۵ خرداد درخلال سخنرانی وزیر خارجه آمریکا در نشست «کمیته روابط عمومی آمریکا-اسرائیل» موسوم به ای پک رخ داد؛ آنتونی بلینکن در این سخنرانی ضمن تکرار ادعاهای بی‌اساس علیه ایران گفت: «اگر ایران مسیر دیپلماتیک را رد کند، همان‌طور که رئیس‌جمهور بایدن بارها گفته است، همه گزینه‌ها برای تضمین عدم دستیابی ایران به سلاح اتمی مطرح خواهد بود.» اگرچه این سخنان به خودی خود باری منفی دارد اما زمانی که در نظر بگیریم صحبت از گزینه دیپلماسی با ایران در یک مجمع صهیونیستی توسط وزیر خارجه آمریکا مطرح شده، بار معنایی کلمات روی دیگری به خود می‌گیرد. استفاده از گزینه دیپلماسی خبری بوده که در رسانه‌های صهیونیستی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. روزنامه جروزالم‌پست سه‌شنبه (۱۶ خرداد) در گزارشی از «نگرانی اسرائیل از توافقی موقت بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی» خبر داده است. سفیر اسرائیل در سازمان ملل، در کنفرانس سالانه جروزالم‌پست در نیویورک نگرانی خود از توافق موقت را این‌گونه ابراز می‌دارد: «خبر بد واقعی این است که ظاهرا توافقی موقت وجود دارد که با ایران در این روزها درباره آن بحث شده است.» گیلاد اردان درمورد محتوای توافق موقت احتمالی می‌گوید: «توافق برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را به‌حالت تعلیق درمی‌آورد، اما اورانیوم غنی‌شده و پیشرفت هسته‌ای ایران را به عقب برنمی‌گرداند و تهران در ازای آن از امتیازات اقتصادی برخوردار می‌شود.» این اظهارات اگرچه رسیدن به هیچ گونه توافقی را اثبات نمی‌کند اما این گزاره را می‌توان از آن برداشت کرد که غربی‌ها در مواجهه با ایران ناچارند تنها از ابزار دیپلماسی استفاده کنند؛ ابزاری که سال‌ها تلاش ایران برای افزایش قدرت دفاعی و ایجاد موازنه قدرت چاره‌ای جز استفاده از آن را برای طرف غربی باقی نگذاشته است. خبری که روز گذشته درمورد رونمایی از موشک هایپرسونیک فتاح منتشر شد نیز از این جنبه واجد اهمیت است که ترازوی قدرت را به نفع ایران سنگین‌تر کرده و ابزارهای تهران را برای امتیازگیری در مذاکره که تنها راه باقی‌مانده برای دولت‌های غربی است، تقویت می‌کند. در ادامه ضمن بررسی تاثیرات رونمایی از موشک «فتاح» به‌عنوان یک ابزار دفاعی در ایجاد توازن قدرت به موضوع سرمایه اجتماعی به‌عنوان بال دیگر تقابل با سیاست‌های خصمانه غرب پرداخته شده است.

## ۹ تاثیر هایپرسونیک بر ایجاد توازن قدرت

در دهه‌های گذشته و به‌خصوص بعد از پایان جنگ تحمیلی، «ایجاد قوه بازدارندگی» کامل دربرابر قدرت نظامی همسایگان و البته خارجی‌هایی که در منطقه ما ایجاد مزاحمت می‌کنند به اولویت اول پروژه توسعه نظامی کشور تبدیل شده است. وقتی با کشورهایی روبه‌رو هستیم که از قدرت نظامی برای تحمیل خواسته‌های خود به ملت‌ها استفاده می‌کنند، طبیعی است که بخشی از چاره را باید در همین عرصه نظامی جست‌وجو کرد. از طرف دیگر با نگاهی به تاریخ معاصر ایران متوجه می‌شویم که در تقریبا همه جنگ‌هایی که کشور در آنها درگیر شد، ما شروع کننده جنگ نبودیم و تنها از تمامیت ارضی و منافع خود «دفاع» کرده‌ایم. پس طبیعی است که قوه بازدارنده خود را در حیطه دفاعی دنبال کنیم. با این نگاه توسعه پروژه موشکی و پهپادی دربرابر ایده‌های محوری دیگر مزیت پیدا می‌کند. این پروژه از همان زمان جنگ هشت‌ساله آغاز شد و گرچه در همان زمان هم دستاوردهایی داشت اما در طی سال‌های گذشته و با همت دانشمندان کشور دو پارامتر «برد» و «دقت» موشک‌های ایران به‌قدری افزایش یافته که دیگر می‌توان ایران را جزء چند قدرت انگشت‌شمار در حوزه صنایع موشکی توصیف کرد. روز گذشته با معرفی موشک هایپرسونیک فتاح توسط نیروی هوافضای سپاه پاسداران گام دیگری در راستای بازدارندگی کامل دفاعی کشور برداشته شد. سرعت بسیار بالای این موشک هنگام اصابت به هدف موردنظر باعث می‌شود تقریبا مقابله با این موشک‌ها از توان هر سامانه پدافندی‌ای خارج باشد و بسیاری از تجهیزات مقابله با توان موشکی ایران را که توسط برخی کشورها تمهید شده بود، از کار می‌اندازد. این به معنای تحقق بازدارندگی کامل در عرصه دفاعی است که سال‌ها به‌دنبال آن بوده‌ایم. مشابه همین اتفاق در عرصه هسته‌ای هم رخ داده است. با گذشت حدود دو دهه از اولین‌باری که اطلاعات پروژه توسعه هسته‌ای ایران به بیرون درز پیدا کرد، امروز در نقطه بسیار متفاوتی ایستاده‌ایم. درطول دو دهه گذشته کشورهای غربی از هیچ اقدامی برای جلوگیری از دسترسی ایران به حق خودش در صنعت هسته‌ای دریغ نکرده‌اند؛ از وضع تحریم‌های بی‌حدوحصر تا خرابکاری‌های متعدد در تاسیسات هسته‌ای مهم و ترور چندین تن از دانشمندان هسته‌ای کشور. گرچه هرکدام از این اقدامات در زمان خود توانسته‌اند صدماتی به پیشرفت صنعت انرژی هسته‌ای در کشور وارد سازند اما به‌علت اقدامات موفقی که در راستای رشد روزافزون دانش بومی کشور در این عرصه داشته‌ایم، امروز به شرایطی رسیده‌ایم که غربی‌ها نه‌تنها مجبورند حق غنی‌سازی ما را به‌رسمیت بشناسند، بلکه حجم و خلوص غنی‌سازی ما به‌حدی رسیده که چاره‌ای جز مذاکره برای آنها باقی نمانده است. هرچند ادعای تکراری و کلیشه‌ای‌شده «روی میز بودن همه گزینه‌ها» را بارها و بارها تکرار کنند. ترکیب توان موشکی و هسته‌ای ما باعث شده اکنون بیشتر از همیشه دست‌مان در مذاکرات احتمالی پر باشد و این امر سبب شده میز مذاکره با غربی‌ها به توازن بهتری در راستای تامین منافع ایران برسد.

## ۹ سرمایه اجتماعی سوخت اصلی موشک‌هاست

درکنار افزایش قدرت نظامی باید توجه داشت که تنها بخشی از مسیر ایجاد قدرت بازدارندگی کشور از مجرای قدرت نظامی و هسته‌ای می‌گذرد. طرف غربی به‌خوبی متوجه قوت ما در این عرصه‌ها شده است و مقابله با ایران در این زمینه‌ها را بی‌فایده می‌داند. چنین شرایطی ایجاب می‌کند به‌دنبال نقطه ضعف دیگری باشند تا اثرات این نقاط قوت کشور را خنثی کنند. این ناامیدی از موفقیت در عرصه‌های دیگر منجر متمرکز شدن طرف مقابل بر وارد ساختن صدمه حداکثری بر ظرفیت اجتماعی جمهوری اسلامی شده است. فشارهای اقتصادی از یک‌طرف و اقدامات گسترده رسانه‌ای از طرف دیگر در راستای از بین بردن سرمایه اجتماعی حاکمیت به کار گرفته شده و باعث شده برخلاف عرصه دفاعی و هسته‌ای در این زمینه گرفتار ضعف‌های جدی باشیم. اتفاقات پاییز سال گذشته نیز علی‌رغم خیال‌پردازی‌های عده‌ای، مشخص بود که اثرگذاری چندانی در عرصه سخت میدانی نخواهد داشت. این پروژه گسترده که با استفاده از تمام ظرفیت‌های ممکن داخلی و خارجی صورت گرفت، هدفی جز از بین بردن هرچه بیشتر سرمایه اجتماعی کشور نداشت. محور اصلی این پروژه ایجاد دوقطبی‌های عمیق اجتماعی بین مردم ایران بود؛ اتفاقی که درصورت تحقق و تثبیت می‌تواند آسیب‌های مهلکی به توانایی‌ها کشور در عرصه‌های نظامی وارد کند. رهبر انقلاب بعد از شلیک چند فروند موشک به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد در واکنش اولیه ایران به شهادت سردار سلیمانی اظهار داشتند «سوخت حقیقی» این موشک‌ها اراده مردم و فریاد انتقام آنها بوده است. امروز دشمنی که از جلوگیری از ساخت موشک‌های پیشرفته توسط ایران ناامید شده است، دل در گروی تخلیه مخازن سوخت حقیقی این موشک‌ها دارد. در چنین شرایطی باید با گذر از نگاه‌های سطحی در حکمرانی اجتماعی و فرهنگی کشور -که ثمری جز دامن زدن به دوقطبی‌های مطلوب دشمن ندارند- و با اتخاذ رویکرد کلان ایجاد همدلی حداکثری بین تمام افراد و اقشار جامعه، طرف مقابل را از آخرین نقطه‌ضعف کشور نیز ناامید کرد. همان نگاهی که توانسته با همت بالا و نگاه بلندپروازانه در عرصه سخت برای کشور قدرت بازدارندگی ایجاد کند، می‌تواند در عرصه قدرت نرم کشور نیز همین موفقیت را تکرار کند.

۹ گفت‌وگو

علیرضا تقوی‌نیا، کارشناس مسائل منطقه در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

# حاصل رونمایی از موشک هایپرسونیک؛ ایجاد موازنه وحشت بین ایران و صهیونیست‌ها

زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

**«فتاح می‌تواند ظرف ۴۰۰ ثانیه به اسرائیل برسد» این جمله‌ای بود که جروزالم پست در دقایق ابتدایی رونمایی از موشک هایپرسونیک «فتاح» منتشر کرد. موشکی که با برد ۱۴۰۰ کیلومتری و سرعت فراصوتی آن، قدرت بازدارندگی ایران در حوزه دفاعی را به نمایش گذاشت. اینکه رونمایی از «فتاح» چه تاثیری در موازنه قدرت ایران در مقابل آمریکا و چه پیامی برای صهیونیست‌ها دارد، موضوعی است که در گفت‌وگوی امروز با علیرضا تقوی‌نیا، کارشناس مسائل بین‌الملل به آن پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.**

III

**ساخت موشک‌های هایپرسونیک چه تاثیری در موازنه قدرت با آمریکا دارد؟**

موشک‌های هایپرسونیک موشک‌هایی هستند که قابلیت رهگیری ندارند و با توجه به برد این موشک می‌توان گفت، تمام پایگاه‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا، در تیررس این موشک هستند و دست ایران برای ضربه دوم باز است؛ چون راهبرد دفاعی ایران مبتنی بر ضربه اول نیست، پدافندی و مبتنی بر واقع‌گرایی تدافعی است و تا زمانی که مورد حمله قرار نگیرد، ایران هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد. درنتیجه این موشک، وضعیت بازدارندگی ایران را بیش از پیش تقویت می‌کند، از لحاظ روانی روی طرف مقابل تاثیر می‌گذارد، چون سامانه‌های هایپرسونیک قابل رهگیری نیستند. مهم‌ترین ویژگی یک موشک علاوه‌بر سرعت، قابلیت تغییر مسیر هنگام شیرجه به‌سمت هدف است که هیچ سامانه پدافندی‌ای نمی‌تواند آن را هدف قرار دهد. بنابراین معتقدم جنگ را از ایران دور و دورتر کرده و اعتمادبه‌نفس نظام را در پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای بیشتر می‌کند.

**چه ویژگی‌هایی باعث تفاوت موشک فتاح از دیگر موشک‌ها شده است؟**

سرعت این موشک، بسیار بالاست. می‌شود گفت مافوق‌صوت ولی ماورای‌صوت است و با توجه به‌سرعت بالا از سایر موشک‌های ایران متمایز می‌شود. نکته دیگر اینکه قابلیت مانور در جو خیلی مهم است، چون رادارها براساس یک قاعده بالستیک، نقطه A و B و نقطه C را محاسبه و پیش‌بینی می‌کنند و به‌سمت هدف مورد اصابت قرار می‌دهند. اما موشکی که مانورپذیر باشد و هنگام شیرجه مرتبا تغییر مسیر بدهد _از طریق تغییر بردار رانش نازل موشک‌ها_ باعث می‌شود که سیستم‌های پدافندی نتوانند آن را رهگیری کنند و مورد اصابت قرار دهند. این دو ویژگی بارز و برجسته موشک فتاح است که آن را از بسیاری از موشک‌های ایرانی متمایز می‌کند.

**آیا توسعه صنعت موشکی را می‌توانیم همچون صنعت هسته‌ای یک عامل بازدارنده تلقی کنیم؟**

بله، نکته‌ای که باید بگویم این است که از اساس، این موشک‌ها ساخته می‌شود که شلیک نشود. این موشک به‌منظور شلیک برای جنگ ساخته نشده است، بلکه برای جلوگیری از جنگ ساخته شده است. خیلی نکته مهمی است که ما بدانیم این موشک قرار نیست به‌سمت اهدافی شلیک شود، بلکه دشمن را از هرگونه تعرضی باز می‌دارد. همان‌طور که برنامه هسته‌ای و غنی‌سازی ایران، باعث می‌شود که آنها در محاسبات نظامی خودشان درخصوص ایران، تجدیدنظر کنند. این موشک هم همین وظیفه را برعهده دارد؛ محاسبه دشمن را برهم می‌زند. هم در بحث سخت‌افزاری و هم از لحاظ ذهنی، موازنه وحشت ایجاد می‌کند و روزبه‌روز ایران از جنگ دورتر می‌شود.

**یکی از نکات جالب توجه در مورد اخبار ساخت موشک فتاح این بود که رسانه‌های صهیونیستی بلافاصله با تقسیم سرعت آن بر فاصله ایران-اسرائیل مدت زمانی که این موشک به اسرائیل می‌رسد را محاسبه کرده بودند، آیا می‌توانیم بگوییم این موضوع نشان می‌دهد صهیونیست‌ها خود را به‌عنوان مهم‌ترین هدف ابزارهای دفاعی ایران تلقی کرده و از این امر دچار نگرانی هستند؟**

اصلا ما برای هیچ کشوری تهدید نیستیم؛ جز رژیم جعلی صهیونیستی. ما هیچ کدام از همسایگان‌مان را تهدید نمی‌دانیم، همان‌طوری که در چند ماه گذشته روابط را با همسایگان ارتقا بخشیدیم و درحال برقراری ائتلاف با آنها هستیم. خوب این نشان‌دهنده این است که ایران اصلا سعی دارد رویکرد تهدیدسازی نسبت به خودش را خنثی کند. ما به‌صراحت اعلام می‌کنیم که برای رژیم‌صهیونیستی تهدید هستیم. قرار نیست موشکی به‌سمت اسرائیل شلیک کنیم. تا زمانی که آنها به ما تعرضی نکردند موشکی شلیک نمی‌شود، اما از طریق جغرافیای اطراف رژیم‌صهیونیستی و تسلیح آنها ما می‌توانیم به این رژیم ضربه بزنیم. نیازی نیست ما مستقیم وارد شویم، بلکه ملت‌هایی هستند که از رژیم‌صهیونیستی زخم خورده‌اند و انگیزه دارند. این رژیم خاک آنها را اشغال کرده و آنها می‌توانند نسبت به رژیم‌صهیونیستی از طریق تسلیحات ما کنش لازم و عمل مناسب را انجام دهند.

**پس می‌توانیم بگوییم مهم‌ترین هدف ما از رونمایی ابزارهای دفاعی، قدرت‌نمایی درمقابل رژیم‌صهیونیستی و تهدید این رژیم است؟**

بله، در هفته‌های اخیر تهدیدات رژیم‌صهیونیستی نسبت به برنامه اتمی ایران جدی شده و درخصوص حمله، خیلی تلاش می‌کند یک جو روانی درست کند که لازم است درخصوص این قضیه یک عکس‌العمل مناسبی نشان داده شود و بر محاسبات آقای نتانیاهو و کابینه او تاثیر بگذارد که مبادا دچار خطای محاسباتی شوند و بخواهند نسبت به برنامه اتمی ایران تعرضی داشته باشند. من معتقدم مهم‌ترین پیغام رونمایی این موشک، واکنش به تهدیدات اخیر آقای نتانیاهو بود.

**بلینکن، وزیر خارجه آمریکا روز گذشته در خلال سخنرانی در نشست «کمیته روابط عمومی آمریکا-اسرائیل» موسوم به ای پک مثل گذشته اظهارات خصمانه‌ای علیه ایران طرح کرده، اما در انتها از راه‌حل دیپلماتیک با ایران صحبت به میان آورده است. این یعنی آمریکایی‌ها حتی در رادیکال‌ترین محافل هم نمی‌توانند گزینه دیپلماسی را کنار گذاشته و مورد اشاره قرار ندهند. چه عواملی باعث شده طرف‌های غربی در مقابل ایران دوباره به گزینه دیپلماسی برگردند؟**

چون مسیر و گزینه دیگری ندارند. آنها نمی‌توانند کار دیگری انجام دهند. فلذا تنها دیپلماسی برای آنها باقی‌مانده است. از مرحله جنگ سخت که سال‌هاست عبور کردیم، خودشان هم این را می‌دانند و توان بازدارندگی ایران به‌حدی رسیده که می‌تواند به‌شدت به آنها آسیب بزند؛ این نکته اول. نکته دوم این است که از تحریم اقتصادی و جنگ ترکیبی هم شما دیدید که سال گذشته نتوانستند طرفی ببندند و نظام، مقتدرانه وضعیت داخلی را کنترل کرد و همچنان برنامه منطقه‌ای خودش را دنبال می‌کند، چیزی که آنها به‌شدت از آن هراس دارند. پس آنها باید برای جلوگیری از آن چیزی که برای خودشان خطر می‌دانند و آن هسته‌ای شدن ایران است، مسیر دیپلماسی را پیش بگیرند.

**در نشستی که بالاتر هم اشاره شد، بلینکن از تقویت سامانه‌های پدافندی نیز صحبت به میان آورده است، اما تنها یک روز بعد سردار حاجی‌زاده با اعلام خبر ساخت موشک فتاح از برهم خوردن بساط کاسبی آمریکا سخن به میان می‌آورد. آیا می‌توانیم بگوییم آمریکا از هراس افکنی ایران، صرفا به‌دنبال کاسبی تسلیحاتی است و عملا قدرت مهار ایران را در بعد دفاعی و امنیتی ندارد؟**

در اینکه قدرت مهار ایران را ندارند شکی نیست، اما نکته مهم این است که در یک سال‌ونیم گذشته، آنها با تهدیدات و چالش‌های جدیدی روبه‌رو شدند که باعث شده، ایران شاید به تهدید سوم آنها بدل شود. امروز تهدید اول آنها جنگ روسیه است. دوم چین و تهدید سوم جمهوری اسلامی ایران، و این یک فرصت برای ماست که باید از آن برای توسعه کشور نهایت استفاده را ببریم. امروز اولویت اصلی آمریکا ما نیستیم و توان آمریکا دیگر معطوف به ما نیست، چون مدت‌ها توانش را در خاورمیانه معطوف به مهار ایران کرد، اما نتیجه دلخواهش را نداشت و الان در جبهه‌های دیگر درگیر است. می‌شود گفت تقریبا منطقه غرب‌آسیا را رها کرده است. ارتش ایران دوماه پیش نفتکش ادونتیک سوئیت، حامل نفت آمریکا را توقیف کرد. پیامش خیلی واضح است، اینکه ایران می‌تواند نفتکش حامل نفت آمریکا را توقیف کند و آمریکا هم توانی برای جلوگیری از این اقدام ایران ندارد.